





دانشکده علوم اجتماعی  
گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی  
گرایش علوم سیاسی

**تحت عنوان**

**بررسی تطبیقی الگوهای رهبری امنیت ملی ایالات متحده: جرج دبلیو بوش  
و باراک اوباما**

استاد راهنما:

دکتر قدرت احمدیان

استاد مشاور:

دکتر فرهاد دانش نیا

نگارش:

ناهید شهبازی

مهر ماه ۹۳

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشگاه رازی  
دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی گرایش علوم سیاسی

نام دانشجو: ناهید شهبازی

تحت عنوان

**بررسی تطبیقی الگوهای رهبری امنیت ملی ایالات متحده: جرج دبلیو بوش**

**و باراک اوباما**

در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء	با مرتبه‌ی علمی استادیار	دکتر قدرت احمدیان	۱- استاد راهنما
امضاء	با مرتبه‌ی علمی استادیار	دکتر فرهاد دانش نیا	۲- استاد مشاور
امضاء	با مرتبه‌ی علمی استادیار	دکتر فرزاد رستمی	۳- استاد داور داخل گروه
امضاء	با مرتبه‌ی علمی استادیار	دکتر شهرام فتاحی	۴- استاد داور خارج از گروه

باتشکر صمیمانه از تمامی اساتید بزرگوارم در گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی

تقدیم بہ پدر و مادر مہربانم

## چکیده

نحوه و روش اداره و هدایت یک کشور در قالب الگوهای رهبری مطرح می‌شود. ایالات متحده نیز در آغاز هزاره سوم و در طول ۱۴ سال گذشته، الگوهای رهبری متفاوتی را تجربه کرده است. پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی الگوهای رهبری ایالات متحده در دوران جرج دبلیو بوش و باراک اوباما می‌پردازد و در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که هر یک از این رؤسای جمهور چه نوع الگوی رهبری را برای اداره ایالات متحده برگزیده‌اند و این گزینش تحت تأثیر چه عاملی صورت گرفته است؟ فرض بر این است که بر طبق چارچوب نظری استفان فیلیپ کوهن در باب الگوهای رهبری امنیت ملی، هر یک از آنان دارای الگوهای رهبری متفاوتی می‌باشند، بدین صورت که جرج بوش دارای الگوی رهبری استعلاگرایانه می‌باشد و باراک اوباما الگوی رهبری مدیریتی را برگزیده است. علت انتخاب هر یک از این الگوها توسط آنان نیز به واسطه تأثیر ثبات و یا بی‌ثباتی اقتصادی در زمان روی کارآمدن آنها بوده است.

در این راستا این رساله به بررسی عملکرد جرج دبلیو بوش و باراک اوباما پرداخته است و تأثیر عامل اقتصادی بر انتخاب رویکردهای آنان مورد پژوهش قرار گرفته است.

**کلید واژه:** الگوهای رهبری، ایالات متحده، جرج دبلیو بوش، باراک اوباما، ثبات اقتصادی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۲-۱-۱	بیان مسأله
۳-۲-۱	اهمیت موضوع
۳-۳-۱	اهداف پژوهش
۴-۴-۱	سوابق و ادبیات موضوع
۶-۵-۱	سوال اصلی پژوهش
۶-۶-۱	فرضیه پژوهش
۶-۷-۱	تعریف متغیرها
۷-۸-۱	روش گردآوری داده‌ها
۷-۹-۱	ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات
۷-۱۰-۱	مشکلات و موانع پژوهش
۸-۱۱-۱	سازماندهی تحقیق

## فصل دوم: چارچوب نظری: مفاهیم و نگرش‌های نظری

۱۰-۱-۲	رهبری: تعاریف و برداشت‌ها
۱۰-۱-۲-۱	واژه‌شناسی
۱۱-۲-۱	مفهوم رهبری
۱۲-۲-۲	تاریخچه رهبری
۱۳-۳-۲	جلوه‌های رهبری
۱۳-۴-۲	ویژگی‌ها و قابلیت‌های یک رهبر
۱۴-۵-۲	وظایف رهبر
۱۵-۶-۲	رویکردها
۱۵-۷-۲	سیرمطالعات رهبری
۱۶-۸-۲	نظریه‌های رهبری
۱۶-۸-۲-۱	نظریه مردان بزرگ
۱۷-۸-۲-۲	نظریه صفات و ویژگی‌های رهبری
۱۷-۸-۲-۳	نظریه مطالعات رفتاری
۱۸-۹-۲	سبک‌های رهبری
۱۹-۹-۲-۱	طبقه‌بندی بر اساس میزان اقتدار
۲۰-۹-۲-۲	طبقه‌بندی بر اساس رابطه رهبر با پیروان
۲۱-۹-۲-۳	طبقه‌بندی بر اساس سایر ویژگی‌ها
۲۷-۹-۲-۴	الگوی استفان کوهن
۳۰-۱۰-۲	نتیجه‌گیری



## فصل سوم: الگوهای رهبری در ایالات متحده: ارزیابی و مقایسه دولت جرج بوش و باراک اوباما

- ۳-۱-۳- ساختار مدیریت و تصمیم‌گیری در ایالات متحده: مدیریت ریاستی..... ۳۲
- ۳-۱-۱- انواع حکومت‌ها ..... ۳۲
- ۳-۱-۲- نظام سیاسی آمریکا..... ۳۳
- ۳-۱-۳- مختصات رژیم ریاستی آمریکا ..... ۳۴
- ۳-۱-۴- وظایف رئیس‌جمهور ..... ۳۵
- ۳-۱-۵- اختیارات رئیس‌جمهور..... ۳۵
- ۳-۱-۶- منابع اتخاذ تصمیمات و روند سیاست‌گذاری در ایالات متحده ..... ۳۶
- ۳-۱-۷- امور خارجی و قانون اساسی ..... ۳۷
- ۳-۲- الگوی رهبری استعلاگرایانه در ایالات متحده: دوره جرج بوش ..... ۳۸
- ۳-۲-۱- بوش و نومحافظه‌کاران ..... ۳۸
- ۳-۲-۲- مبارزه با تروریسم ..... ۴۲
- ۳-۲-۳- اقدام پیش‌دستانه و جنگ پیشگیرانه ..... ۴۵
- ۳-۲-۴- مداخله‌گرایی ..... ۴۸
- ۳-۲-۵- یکجانبه‌گرایی..... ۵۰
- ۳-۲-۵-۱- حمله به عراق ..... ۵۱
- ۳-۲-۵-۲- اروپا و بوش ..... ۵۲
- ۳-۲-۵-۳- روسیه و بوش..... ۵۴
- ۳-۲-۵-۴- یکجانبه‌گرایی در مقابل سازمان ملل ..... ۵۶
- ۳-۲-۵-۵- سایر موارد ..... ۵۷
- ۳-۲-۶- طرح خاورمیانه بزرگ ..... ۵۸
- ۳-۲-۷- ایران ..... ۶۰
- ۳-۳- الگوی رهبری مدیریتی در ایالات متحده: باراک اوباما ..... ۶۲
- ۳-۳-۱- ریشه‌های فکری اوباما ..... ۶۲
- ۳-۳-۲- دکترباراک اوباما ..... ۶۳
- ۳-۳-۳- اولویت امور داخلی..... ۶۷
- ۳-۳-۴- چند جانبه‌گرایی ..... ۶۸
- ۳-۳-۵- بازگشت به سوی اروپا ..... ۷۰
- ۳-۳-۶- روسیه و از سرگیری روابط..... ۷۲
- ۳-۳-۷- تغییر رویکرد در افغانستان..... ۷۳
- ۳-۳-۸- عراق و راهبرد خروج کم‌هزینه ..... ۷۵
- ۳-۳-۹- خاورمیانه و اوباما ..... ۷۶
- ۳-۳-۱۰- ایران..... ۷۹
- ۳-۴- نتیجه‌گیری ..... ۸۳

## فصل چهارم: فراز و فرود اقتصاد ایالات متحده و تحول الگوی رهبری

- ۱-۴- اهمیت مؤلفه اقتصاد در امنیت ملی ..... ۸۶
- ۲-۴- جایگاه اقتصاد در ایالات متحده آمریکا ..... ۸۷
- ۳-۴- رشد و رونق اقتصادی و الگوی رهبری استعلاگرایی در ایالات متحده: دوره جرج بوش ..... ۹۱
- ۱-۳-۴- رشد و شکوفایی اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ ..... ۹۱
- ۲-۳-۴- رونق اقتصادی و الگوی رهبری استعلاگرایی جرج بوش ..... ۹۳
- ۴-۴- رکود اقتصادی و الگوی رهبری مدیریتی در ایالات متحده: دوره باراک اوباما ..... ۹۷
- ۱-۴-۴- وضعیت اقتصادی ایالات متحده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ ..... ۹۷
- ۲-۴-۴- رکود و بحران اقتصادی و الگوی رهبری مدیریتی باراک اوباما ..... ۱۰۳
- ۵-۴- نتیجه‌گیری ..... ۱۰۹
- نتیجه‌گیری نهایی ..... ۱۱۰
- منابع ..... ۱۱۳

## فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۴۱.....	شکل ۳-۱- پیوستار قدرت در سیاست خارجی .....
۱۰۰.....	شکل ۴-۱- درآمد سالیانه خانوارهای آمریکایی از ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰ .....
۱۰۱.....	شکل ۴-۲- تولید ناخالص داخلی ایالات متحده ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ .....
۱۰۵.....	شکل ۴-۳- رشد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ .....
۱۰۶.....	شکل ۴-۴- تراز تجاری ایالات متحده از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ .....
۱۰۶.....	شکل ۴-۵- رشد مشاغل در ایالات متحده از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ .....
۱۰۷.....	شکل ۴-۶- درصد نرخ بیکاری در ایالات متحده از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ .....
۱۰۸.....	شکل ۴-۵- نمودار میانگین قیمت مسکن در ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲.....

## فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

جدول ۳-۲- مقایسه استراتژی پیش‌دستانه و پیشگیرانه ..... ۴۶

# فصل اول:

کلیات

## کلیات

فصل اول این پژوهش به بیان کلیات موضوع می‌پردازد و هدف از آن ارائه تصویری کلی از این رساله می‌باشد. در این راستا ابتدا به طرح مسأله می‌پردازیم. پس از آن اهمیت و اهداف موضوع را بررسی می‌کنیم. سابقه و ادبیات، یکی از ملزومات هر پژوهشی است که در بخش بعدی به آن اشاره خواهیم داشت. سایر قسمت‌ها شامل سوال اصلی، بیان فرضیه، تعریف متغیرهای مورد استفاده، توضیح روش گردآوری مطالب و ابزار بکار برده شده برای تجزیه و تحلیل اطلاعات است. بدون شک هر پژوهشی در طول فرایند خود با موانع و مشکلاتی روبروست که در بخش بعدی به آن اشاره می‌شود. در پایان نیز به اختصار به نحوه سازماندهی پژوهش و بیان چگونگی تقسیم‌بندی فصول آن خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- بیان مسأله

گذار تحولات بین‌الملل از عصر دو قطبی و دوران جنگ سرد با فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز گردید. این تحول در ساختار نظام بین‌الملل نمایانگر گذار تئوریک و عملی سیاست بین‌الملل بود. مطابق دکترین نظم نوین جهانی، ایالات متحده پس از فروپاشی سیستم دو قطبی، جهان را تابع یک نظم سلسله مراتبی فرض می‌کند که در آن آمریکا تنها ابرقدرت جهانی تلقی شده و سایر کشورها به قدرت‌های بزرگ، منطقه‌ای، متوسط، کوچک و ذره‌ای تقسیم می‌شوند. آمریکا چون قدرت هژمونیک را در نظام جهانی دارد با کمترین تأثیرپذیری از محیط، بیشترین نفوذ را بر شکل‌دهی ساختار و مبادلات قدرت دارا می‌باشد (گوهری مقدم، ۱۳۸۷: ۲۵۸). با در نظر گرفتن این واقعیات بود که در آغازین هزاره سوم و در بین تصمیم‌گیرندگان آمریکایی این ذهنیت شکل گرفت که قرن بیست و یکم به مانند قرن قبل آمریکایی خواهد بود. رهبران آمریکا در بطن این چارچوب فکری بود که استراتژی کلان مبتنی بر مفهوم "ناهماوردی" آمریکا را بنیان نهادند. با توجه به دو واقعیت عمده این درک شکل گرفت: اینکه هیچ کشوری قادر به شکل دادن به نظم و ثبات بین‌المللی نیست و تنها آمریکا از این توانمندی برخوردار است. در عین اینکه تنها آمریکاست که هویت ملی‌اش بر اساس یک مجموعه از ارزش‌های سیاسی و اقتصادی جهان شمول تعریف گشته است. آمریکا باید میزان فزونتری از منابع، خوش بینی و فعال بودن را که موسوم به "انرژی سیاست" است، به عرصه جهانی سوق دهد (دهشیار، ۱۳۸۶: ۴۴).

امروزه امریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقیمانده از این دوران خواهان ثبات هژمونیک و جلوگیری از ظهور دژ جهانی دیگری است. این کشور برای تثبیت موقعیت خود و هژمون باقی ماندن در عرصه بین‌المللی دست به گزینش رفتارها و عملکردهای گوناگونی در نوع رهبری خود زده است. در ۱۴ سال اخیر نیز جهان شاهد تحولات چشمگیری بوده است، جنگ و درگیری‌های متعدد مانند آنچه که در عراق و افغانستان رخ داد و بخصوص حادثه ۱۱ سپتامبر سرنوشت جهان را در ابتدای هزاره سوم به گونه‌ای خاص رقم زد. بدون شک نقشی که امریکا، رهبران این کشور و الگوهایی که آنان برای مواجهه با این وقایع برمی‌گزینند تأثیرات بسیار عمیقی بر آینده جهان خواهد داشت و در همین راستا است که دو رئیس‌جمهور اخیر ایالات متحده یعنی جرج دبلیو بوش و باراک اوباما هر کدام بنا بر فاکتورها و عواملی الگوهای متفاوتی را برای رهبری و اداره این کشور انتخاب کرده‌اند که در این رساله تلاش می‌شود به مقایسه الگوهای رهبری این دو و علت‌های تأثیرگذار بر اتخاذ چنین رویکردهایی از سوی هر کدام از آنها پرداخته شود. در واقع هدف این است که اختلاف میان دو الگوی رهبری را که منجر به دو سبک رفتاری متفاوت در سیاست خارجی ایالات متحده گردیده است، بررسی شود و پس از آن به چرایی انتخاب این الگوها از سوی آنان پرداخته شود.

بنابراین مسأله اصلی ما در این پژوهش این است که: جرج بوش و باراک اوباما تحت تأثیر چه عاملی الگوهای رهبری متفاوتی (استعلاگرایی در دوره بوش و مدیریتی در دوره اوباما) را برای اداره ایالات متحده برگزیدند؟

## ۱-۲- اهمیت موضوع

به علت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده بر فرایندها و روندهای بین‌المللی و حتی بر سیاست‌های دیگر کشورها شناخت هر چه بیشتر سیاست‌ها و رویکردهای رهبران این کشور حائز اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر شناخت عوامل اتخاذ و نحوه اجرای تصمیمات رئیس‌جمهوران ایالات متحده به عنوان ابرقدرتی که داعیه‌ی سلطه‌ی جهانی داشته و سعی در گسترش نفوذ در مناطق مختلف جهان دارد و مهم تر اینکه دارای تضادهای گوناگون با جمهوری اسلامی ایران است، ضرورت دارد.

## ۱-۳- اهداف پژوهش

این رساله تلاش دارد با بررسی سیاست‌ها و الگوهای رهبری دو تن از رهبران اخیر ایالات متحده یعنی جرج دبلیو بوش و باراک اوباما در قالبی جدید و ریشه‌یابی علت اتخاذ چنین رویکردهایی از سوی آنان، ما را به درک و فهم بهتری از سیاست‌های این کشور رهنمون سازد و سرفصلی برای مطالعات آینده در این خصوص مفتوح گردد. این رساله هم‌چنین در پی آن است تا الگویی را برای پیش‌بینی احتمالی رفتار رهبران آینده این

کشور به دست دهد چنانچه که اگر بتوان به علت اتخاذ رویکردهای رهبران این کشور دست یافت، می‌توان به طرحی برای پیش‌بینی رفتار سایر رهبران ایالات متحده نیز رسید.

## ۱-۴- سوابق و ادبیات موضوع

سیاست‌های ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت جهانی و تأثیر سیاست‌های این کشور بر سایر نقاط جهان همواره ذهن اندیشمندان و سیاست‌مداران را چه در حوزه نظر و چه در حوزه عمل به خود جلب کرده است به همین علت ما شاهد حجم بسیار زیادی از مطالعات و تحقیقات در زمینه سیاست‌های این کشور در عرصه داخلی و خارجی هستیم. سیاست‌های دولت‌های جرج دبلیو بوش و باراک اوباما هم از این امر مستثنا نبوده است و مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته و آثار متعددی در این زمینه انتشار یافته است اما در زمینه مقایسه الگوی رهبری این دو در چارچوب الگوی رهبری استعلاگرایی و مدیریتی تحقیقات چندانی صورت نگرفته است البته این امر به واسطه تازگی و به‌روز بودن موضوع چندان دور از انتظار نیست. در بسیاری از پژوهش‌های اندک در این زمینه نیز، به ادامه و پیروی سیاست‌های اوباما از بوش اشاره شده است اما فرض این تحقیق بر آن است که این دو دارای الگوهای رهبری متفاوتی بوده‌اند. برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه عبارتند از:

وایل در کتاب «سیاست و حکومت در ایالات متحده» به بحث سیاست‌گذاری در آمریکا و بررسی نظام سیاسی این کشور پرداخته است. در قسمتی از این کتاب که در آن نهاد ریاست جمهوری مورد بررسی قرار گرفته است به اختیارات و کارکردهای سیاسی رئیس جمهور و همین‌طور نهادهای زیرنظر وی پرداخته شده است. در بخش دیگری نیز به میزان قدرت رئیس جمهور می‌پردازد (وایل، ۱۳۸۴).

چارلز کگلی در کتاب ارزشمند خود با عنوان «سیاست خارجی آمریکا: الگو و روند» به بررسی نسبتاً جامعی از سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته است. وی در این کتاب که در ۸ بخش و ۱۵ فصل تدوین گردیده به بررسی نظرات ارائه شده در باب سیاست خارجی آمریکا و منابع خارجی و داخلی سیاست خارجی این کشور پرداخته است. کگلی همین‌طور به بررسی نقش وزارتخانه‌ها، سازمان‌های مختلف و کنگره در سیاست‌گذاری ایالات متحده می‌پردازد. روند تصمیم‌گیری و تأثیر نقش و ویژگی‌های رهبر بر اعمال سیاست خارجی از جمله بحث‌های قابل ذکر و برجسته می‌باشند. وی با بررسی نظریه‌های کلان درباره الگوهای سیاست خارجی ایالات متحده آن‌ها را در دو دسته عمده آرمانگرایی یا واقع‌گرایی و انزواجویی یا بین‌المللی‌گرایی قرار می‌دهد (کگلی، ۱۳۸۴).

در کتاب «سیاست خارجی و استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا» نویسنده به بررسی استراتژی کلان ایالات متحده در قالب بررسی بسترها و مکاتب فکری و بنیان‌های استراتژیک این کشور و هم‌چنین ارتباط



منافع ملی این کشور با استراتژی‌های کلان آن می‌پردازد. وی در این کتاب که شامل ۶ فصل می‌باشد به بررسی دو استراتژی تدافعی و تهاجمی نیز می‌پردازد و استراتژی و سیاست خارجی آمریکا در عصر ژئوپلیتیک را مبارزه با کمونیسم و در عصر ارزشی، مبارزه با تروریسم می‌داند (دهشیار، ۱۳۸۶).

در مقاله «پیوند تئوری و عمل در تدوین سیاست خارجی جرج دبلیو بوش»، نویسنده معتقد است که آموزه‌های عملی دولت بوش و یکجانبه‌گرایی و قدرت‌طلبی آن متأثر از اندیشه‌های نومحافظه‌کاران و سرآمد آنان یعنی لئو اشتراوس است و مؤلفه‌های چارچوب نومحافظه‌کاری دولت بوش را در آراء اشتراوس اینگونه بر می‌شمارد: ۱- پیوند عمیق مذهب و گرایش‌های مذهبی با قدرت سیاسی ۲- جهان‌گرایی و نهادینه‌کردن ارزش‌های امریکایی ۳- پافشاری مداوم بر ضرورت دشمن خارجی ۴- نگرش میلیتاریستی برای حذف رژیم‌های استبدادی ۵- قدرت لازمه دموکراسی ۶- انتقاد شدید از عملکرد لیبرال‌ها و دولت کلینتون (مستکین، ۱۳۸۴).

در کتاب «امنیت بین پارادایمی» نویسنده به مقایسه امنیت قبل و بعد از جنگ سرد پرداخته است و تمرکز اصلی خود را بر امنیت از نگاه آمریکا قرار داده است. جرج بوش با عملیات انتحاری بر علیه خاک آمریکا استراتژی تفوق را بهترین الگوی رهبری برای این کشور دانست و افزایش هزینه‌های نظامی، حضور گسترده و تهاجمی در مناطق استراتژیک جهان و تقویت نهادهای امنیتی و یکجانبه‌گرایی را منطقی‌ترین روش مقابله با نوع جدید چالش منافع جهانی آمریکا و امنیت داخلی آن دانست (وحیدی، ۱۳۸۷).

در مقاله‌ای تحت عنوان «میراث جرج بوش در خاورمیانه و چالش پیش روی باراک اوباما» نویسنده به بررسی سیاست‌های جرج بوش در طی هشت سال ریاست جمهوری‌اش می‌پردازد و علاوه بر آن مواضع اعلامی باراک اوباما را درباره خاورمیانه بررسی می‌کند. نویسنده بر این اعتقاد است که سیاست خارجی خاورمیانه‌ای اوباما بازگشت به سیاست کلی دموکرات‌ها و بخصوص بیل کلینتون است (عطایی، ۱۳۸۷).

محمدقاسم محب علی در مقاله «اروپا-آمریکا: چالش‌های اوباما در مناسبات فرآتلانتیکی» ابتدا به فراز و نشیب‌های روابط اروپا و آمریکا در دوران ریاست جمهوری جرج بوش می‌پردازد و معتقد است در دوران ریاست جمهوری وی اروپا از سیاست‌های دولت او سرخورده بود و ریاست جمهوری اوباما را فرصتی برای تجدید روابط می‌داند و هم‌چنین به چالش‌های اوباما اشاره می‌کند موضوعاتی مانند: افغانستان، ایران، ناتو، مسأله دفاع موشکی در اروپا، محیط زیست و... نویسنده اعتقاد دارد علی‌رغم بیانات اوباما درباره «چشم‌اندازهای جهانی» وی گزینه‌های امنیت و منافع آمریکایی را بر سایر گزینه‌ها مقدم می‌داند اما کمک‌ها و همکاری اروپا با وی بستگی به چگونگی پرداختن و نحوه آن چشم‌اندازها یعنی دموکراسی، حقوق بشر، چندجانبه‌گرایی، همکاری دسته‌جمعی و کاهش نظامیگری خواهد داشت (محب علی، ۱۳۸۸).

در کتاب «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا»، حسین پوراحمدی سوال اصلی خود را اینگونه مطرح میکند که اساساً چگونه می‌توان روابط موجود میان تحولات سیاست و تجارت خارجی ایالات متحده از یک سو و افول نسبی هژمونی و بحران نظم هژمونیک چندجانبه‌گرایی آمریکا در دوران پس از جنگ جهانی دوم از سوی دیگر را توضیح داد؟ و فرضیه آن به این صورت مطرح میگردد که گذار از چندجانبه‌گرایی به یک جانبه‌گرایی کاربرد قدرت تهاجمی و... می‌تواند به نوعی نشانگر وجود و تقویت منافع استراتژیک این کشور در راستای تجدید حیات و بازسازی یک استیلای منطقه‌ای در دوران پس از هژمونی بین‌الملل آن باشد و در پایان این بحث را مطرح می‌کند که با توجه به مشکلات اقتصادی، آمریکا باید ضرورت قدرت نرم که بر چند جانبه‌گرایی و رعایت حقوق همگان و تقویت همکاری‌های جمعی استوار است را در سیاست‌های خود لحاظ کند (پوراحمدی، ۱۳۸۶).

### ۱-۵- سوال اصلی پژوهش

پرسشی که این پژوهش ارائه می‌دهد عبارت است از:

چرا جرج دبلیو بوش و باراک اوباما الگوهای رهبری متفاوتی را برای اداره ایالات متحده برگزیدند؟

### ۱-۶- فرضیه پژوهش

وضعیت اقتصادی ( وجود یا عدم بحران اقتصادی ) تعیین کننده الگوی رهبری ایالات متحده آمریکا (استعلا‌گرایانه در دولت جرج بوش و مدیریتی در دولت باراک اوباما) بوده است.

### ۱-۷- تعریف متغیرها

۱. وضعیت اقتصادی: به طور کلی برای توصیف وضعیت اقتصادی یک کشور می‌توان از دو وضعیت نام برد: بحران یا بی‌ثباتی و ثبات.

بحران اقتصادی در نظر اول عبارت است از پیدا شدن "اضافه تولید" یعنی پرشدن بازار از کالاهائی که مشتری قدرت پرداخت بهای آنها را ندارد. بی‌ثباتی و بحران اقتصاد کلان را می‌توان از طریق متغیرهای نرخ تورم، کسری بودجه به صورت درصدی از GDP (تولید ناخالص داخلی)، تغییرات درصدی در نرخ واقعی ارز، و انحراف معیار تغییرات درصدی رابطه مبادله تشخیص داد.

در مقابل در صورتی که کسری بودجه (به صورت نسبتی از GDP) در سطح معقولی باشد و نرخ تورم نیز کم و قابل پیش بینی باشد، نرخ واقعی ارز رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و وضعیت نرخ بهره و تراز

پرداخت‌ها مناسب رشد و توسعه باشد، محیط اقتصاد کلان شرایط باثباتی خواهد داشت. ثبات اقتصاد کلان مبنای اساسی رشد پایدار اقتصادی است زیرا پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد.

۲. الگوی رهبری: که از آن به عناوین سبک‌های رهبری، مدل‌های رهبری و گونه‌های رهبری نیز یاد می‌شود.

به نحوه و روش اداره و هدایت یک گروه، سازمان و یا کشور الگوی رهبری گفته می‌شود. بحث‌های رهبری و انواع الگوهای آن بسیار متنوع هستند. رهبری با تاریخ بشر عجین بوده است اما تنها در کمتر از یک قرن اخیر به صورت آکادمیک و علمی درباره آن تحقیق به عمل آمده است. بحث رهبری یک موضوع بین رشته‌ای می‌باشد که برای اولین بار در رشته مدیریت به صورت علمی با آن برخورد شد و یکی از مباحث اصلی این رشته می‌باشد. موضوع رهبری در سیاست نیز به مرور جای خود را باز کرده است هرچند که از زمان یونان باستان نیز این موضوع در لوای بحث‌های حکومت و انواع حکومت‌ها آورده شده است. حتی در رشته روانشناسی نیز به این بحث از دریچه دیگری پرداخته می‌شود و در کل شاهد یک آمیختگی میان این رشته‌ها در باب موضوع رهبری می‌باشیم.

## ۸-۱- روش گردآوری داده‌ها

گردآوری مطالب این پژوهش از طریق فیش‌برداری و بررسی اسنادی صورت گرفته است.

## ۹-۱- ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات

ابزار این تحقیق کتابخانه‌ای و جست‌وجو در نشریات و سایت‌های مختلف بوده است.

## ۱۰-۱- مشکلات و موانع پژوهش

به علت تازگی و حتی در جریان بودن موضوع در زمان حال، ( ادامه داشتن دوره ریاست جمهوری باراک اوباما) طبیعی است که منابع کافی و متنوعی برای تحقیق و بررسی در اختیار نبوده و نگاه به این موضوع بیشتر به صورت گذرا و کارهای ژورنالیستی پیگیری شده است که عمدتاً با جبهه‌گیری و سوگیری همراه بوده است.

## ۱-۱۱- سازماندهی تحقیق

این پژوهش به طور کلی مشتمل بر پنج فصل می باشد. فصل اول شامل کلیات رساله است. در فصل دوم و در قالب چارچوب نظری تحقیق، به بررسی آنچه درباره رهبری لازم است دانسته شود پرداخته می شود و به انواع دسته بندی های گوناگون از سبک های رهبری اشاره خواهد شد و در پایان چارچوب نظری مطلوب برای این تحقیق تشریح می گردد. در فصل سوم به ارزیابی الگوهای رهبری در دو دوره جرج بوش و باراک اوباما پرداخته خواهد شد. فصل چهارم به ارتباط بین اقتصاد و تحول الگوی رهبری در دوره بوش و اوباما اختصاص دارد. در فصل پایانی نیز نتیجه گیری بحث ارائه می گردد.